

## اشاره

دوستان و همنفیسان و هم‌اندیشان عزیز! همانطور که قبلاً قول داده بودیم، در این صفحه به نقد و بررسی اشعار شما هم - در کنار دیگر مطالب - می‌پردازیم. دوستانی که تمایل ندارند شعرشان در بوته نقد قرار گیرد، حتماً در انتهای اثر خود توضیح دهند و ما هم به اعلام وصول شعر بسنده کنیم. باز هم درخواست می‌کنیم ترانه‌ایتان را هم جهت چاپ در این صفحه و هم نقد و بررسی آن ارسال فرمایید.

## آقای احمد یوسفی سرخ‌آبادی - نهبندان

جناب آقای یوسفی عزیز، اشعار بسیار زیادی برای ما فرستاده‌اید که نشان می‌دهد چقدر به سرودن شعر علاقه دارید. این علاقه بسیار خوب است و نوید روزهای روشن و موفقیت‌آمیز را می‌دهد؛ اما توصیه‌ی بنده به شما این است به جای سرودن چندین و چند در یک هفته و یا در یک ماه، حداقل یک و یا دو مورد شعر بنویسید و سعی کنید در درجه نخست خودتان آنها را ویرایش نموده و سپس برای چاپ در نشریات ارسال فرمایید. عمده‌ترین اشکالی که آثار شما دارد، ایرادات وزنی آن است که تقریباً در تمامی اشعار می‌آید. در ارسال فرموده‌اید، این عیب مشهود است. به این دوبیتی خودتان توجه فرمایید:

بیا برگرد هنوز تا خانه‌ای هست  
هنوز شاخه گلی، پروانه‌ای هست  
بیا تا این دل مجنون شیدا  
نگشته عاقل و دیوانه‌ای هست

دو بیتی بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا مفاعیلن مفاعیلن فعولن می‌باشد. شما مصراع اول و دوم را تقطیع فرمایید تا ببینید در هر کدام از مصراع‌ها، چند هجا اضافه دارید. در مصراع‌های سوم و چهارم ایراد وزنی ندارید اما بیت عاری از تخیل و تصویر است.

در دیگر اشعارتان هم، این ایراد و اشکال بارز است. مثلاً:  
«بیا برگرد هنوز تا عاشقی هست» و «بیا برگرد نگو عشقی نمانده» و «زندگی یعنی: رها از هر چه هست/ هر چه بند را غیر عشق باید گسست. موفق و پیروز باشید.

## خانم شبنم مرادی - شیروان

«شعرهای بدون عنوان ارسال می‌شود» یکی با مطلع «رنج‌های صبور یک خواهر» و دیگری «آب از خجالت تو سرآسیمه آب شد» اگرچه نسبتاً آثار قابل قبولی بودند اما متأسفانه به موقع برای مجله ارسال نکردید تا بتوانیم چاپ کنیم. یادمان باشد که اشعار مناسبی را حداقل یک ماه قبل باید ارسال کنیم. حتماً مطلع شده‌اید که مجله ماهنامه شده است.

## خانم شبنم فرضی زاده - اردبیل

خانم فرضی‌زاده، تردید دارم که شعر «می‌شود از من و تو تا نفس ما برسی» قبلاً در مجله چاپ شده است یا خیر. البته در اصل ماجرا توفیری ندارد، چون لازم می‌دانم اشاره کنم که بیت:

روح مجنونی تو دست تو را می‌گیرد/ با خودت عهد بکن تا که به لیلیا برسی، بیت خیلی خوبی است و کلمه «آن» در مصراع روی آن ساحل خاموش نشستن تا کی؟ حشو است با این حال تصورم بر این است که اگر یک بار دیگر خودتان با دقت شعر را ویرایش کنید، اثر قابل قبول و بسیار مطلوبی از کار در خواهد آمد. شعر را به اتفاق می‌خوانیم:

می‌شود از من و تو تا نفس ما برسی  
و به این حادثه این لحظه زیبا برسی  
روح مجنونی تو دست تو را می‌گیرد  
با خودت عهد بکن تا که به لیلیا برسی  
روی آن ساحل خاموش نشستن تا کی؟  
دو قدم راه فقط مانده به دریا برسی  
نکند حس سرابی به کویرت بکشد  
یا به ژرفای ترک خورده صحرای برسی  
نکند دیر کنی.. دیر رسی.. دیر شود  
دیرتر از همه دیر شدن‌ها برسی  
راس آن لحظه بیایی که دلم در خاک است  
نگرانم که پس از من تو به اینجا برسی  
منتظرم .. چشم به در.. مطمئنم می‌آیی  
آن قدر منتظرت می‌مانم تا برسی

## آقای علیرضا سرخه - اندیمشک

جناب سرخه عزیز، یادمان باشد که شعر نیمایی هم وزن دارد و در یکی از بحور سروده می‌شود. منتها با این تفاوت که تساوی مصراع‌ها در شعر نیمایی جایی ندارد. مثالش این است که مثلاً در شعر الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها که چهار بار مفاعیلن تکرار می‌شود در دیگر مصراع‌های غزل حافظ هم باید همین چهار مفاعیلن تکرار شود بدون یک هجا کمتر و یا بیشتر. اما در شعر نیمایی یک مصراع می‌تواند چهار تا مفاعیلن داشته باشد و دیگر دو تا حتی یک نصفه مفاعیلن! که البته خودتان اینها را می‌دانید. اما رعایت وزن و خارج نشدن از بحر ضروری است: که این را هم ان‌شاءالله می‌دانید.

می‌ماند ترکیب‌ها و تصویرها که باید خیال‌انگیز باشد و گرنه عنوان شعر گذاشتن روی آن خطاست: البته می‌دانم که اینها را هم می‌دانید اما گاه از سر بی‌حوصلگی، کارهیتان را بازخوانی مجدد نمی‌کنید و کاری از کار در می‌آید مثل شعر زیر که با عنوان «او» ارسال کرده‌اید.

او  
لطفات از که آموزم  
که از ما سالها دور است  
که از ما می‌رود، زبیرا  
دلش یک قفس، گور است  
چو خواهیم در خودم بینم  
چو خواهیم در بغل گیرم  
لطفات از کفم رفته  
که این عمر گران ما را  
به این دنیا گره بسته  
تو دانی این لطفات کو؟  
چه دانی در همه چیز است  
که او نور است و در هر نور  
امیدی رو به او بینم

## علی‌اکبر علیزاده - چمستان باغیانک

شاید بد نباشد به همه دوستانی که برای خلوت انس شعر می‌فرستند، این نکته مهم را یادآوری کنیم که دانستن وزن، قافیه و .. جزو اولین ضروریات شعر کلاسیک است و اگر کسی این قواعد را نداند، اصولاً روی اثرش نمی‌شود نام شعر را گذاشت. پس لطفاً، اگر با وزن آشنا نیستید، ابتدا آن را بیاموزید و سپس شعر بنویسید. چرا که حتی اگر شعر شما دارای ترکیب‌های بدیع، تصویرهای جدید و مضمون‌های بکر هم باشد، چنانچه ایراد وزنی داشته باشد، نمی‌توانیم آن را به دست چاپ بسپاریم. جناب علیزاده البته منظورم شما نیستید، بلکه بسیاری از دوستان به این مهم توجه ندارند، اما اشعاری که جنابعالی با عنوان «وصف امام زمان (عج) ارسال فرموده‌اید، در درجه اول ایراد وزنی دارد. دوم آن که دارای ضعف تالیف است. سومین مطلب آن است که فاقد ترکیب درست است و مخجل هم نیست. نمونه‌ای از شعر شما:

کجا هستی بگو آیم بسویت  
که تا بوسه زخم بر دست و رویت  
کجا آقا کنم من جستجویت  
کدام گل می‌دهد بر گو که بویت  
وجودت باعث رفع از بلا هست  
چو اسمت سر در عرش علا هست  
به قریبون تو ای نور ولایت  
خدا کند که باشی تو سلامت  
به مثل مرتضی او با شجاعت  
کند اندر جهان عدل و عدالت  
همیشه من برات دارم چه ناله  
نمی‌دانم کجا داری که خانه